

امنیت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

فرزاد پورسعید*

چکیده

امنیت انسانی، پارادایم نوین امنیت در آستانه قرن بیست و یکم است و دستور کار جدید مطالعات امنیتی را شکل می‌دهد. مقاله حاضر به تبیین جایگاه امنیت انسانی به مثابه رهیافتی مردم‌محور، همه‌گیر و معطوف به رضایت و کرامت بلندمدت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد. برای این منظور، ابتدا مفهوم و ابعاد امنیت انسانی در متون نظری بازنمایی می‌شوند و سپس، قانون اساسی در پرتو این تلقی مفهومی و ابعاد آن مورد بازخوانی و بازفهمی قرار می‌گیرد. نویسنده معتقد است امنیت انسانی در متن ایده امنیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی قرار دارد و امنیت ملی، مرزها و حدود آن را مشخص می‌کند و جایگزین یا مزاحم آن نمی‌شود.

کلیدواژه‌ها: امنیت انسانی، امنیت اقتصادی، امنیت شخصی، امنیت اجتماعی، امنیت زیست‌محیطی، قانون اساسی، امنیت ملی، جمهوری اسلامی ایران

* کارشناس ارشد علوم سیاسی از دانشگاه علامه طباطبائی، عضو هیأت علمی و محقق گروه مطالعات ایران در پژوهشکده مطالعات راهبردی

مقدمه

امنیت انسانی، مفهومی بود که نخستین بار از سوی دیپلمات فقید پاکستانی پروفیسور محبوب الحق^۱ و در گزارش توسعه انسانی برنامه عمران ملل متحد در سال ۱۹۹۴م، در ابعاد و گستره جهانی مطرح شد. این گزارش نقطه عطفی در حوزه مباحث امنیت انسانی بود و استدلال می کرد که رهایی از نیاز و هراس برای همه اشخاص، بهترین مسیر حل مسأله ناامنی جهانی است. (۱) از سوی دیگر، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در آذرماه ۱۳۵۸ (۱۹۷۹م) و با تأکید بر واژگانی چون جمهوریت و اسلامیت به منظور تأسیس نظام سیاسی جدید به تصویب ملت ایران رسید و از این رو، لزوماً متضمن قرائتی از ایده امنیت انسانی و الزامات آن نیست. بنابراین، برای درک شرایط امکان ساز امنیت انسانی در ایران امروز، نیاز به بازخوانی و بازفهمی قانون اساسی جمهوری اسلامی احساس می شود. اهمیت این امر از آن روست که بخشی از استراتژی تحقق امنیت انسانی در جوامع گوناگون، حمایت از حق زندگی برای همه انسانهاست که با تضمین آزادیها و حقوق بشر بنیادین ممکن می شود و این آزادیها و حقوق غالباً در قوانین اساسی کشورها بروز و نمود می یابند. بر این اساس، مقاله حاضر، خوانش و فهم دوباره قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ظرفیت های آن را از منظر ایده امنیت انسانی در دستور کار قرار داده و در جستجوی تبیین جایگاه امنیت انسانی در این قانون است.

امنیت انسانی؛ مفهوم و ابعاد

امنیت انسانی، به ویژه در قیاس با دیگر مفاهیم آکادمیک مرتبط، مفهومی سیال و فرار است و اجماع مشخصی در خصوص حدود تمرکز و ابعاد آن وجود ندارد. (۲) در عین حال، می توان با استفاده از تعابیر صاحب نظران این حوزه و نسبت امنیت انسانی با مفاهیمی همچون امنیت فردی، توسعه انسانی، توسعه پایدار، حقوق بشر و امنیت ملی، به تعریفی شاخصمند و عملیاتی از این مفهوم دست یافت. سابینا الکایر^۲، بر همین اساس، تعریفی عملیاتی و کارگاهی^۱ به

1 . Mahbub ul Haq

2 . Sabina Alkire

دست داده و آن را بر مبنای هدف توسعه انسانی توضیح داده است. به نظر وی: «هدف امنیت انسانی حفاظت از هسته حیاتی زندگی همه انسانها در برابر تهدیدات شایع و حاد است به گونه‌ای که با رضایت و کرامت بلندمدت انسانی سازگار باشد.»^(۳) در این تعریف، پنج واژه کلیدی وجود دارد که عبارتند از حفاظت، هسته حیاتی، زندگی همه انسانها، تهدیدات شایع و حاد و رضایت و کرامت بلندمدت انسانی. از این میان، تبیین سه واژه نخست می‌تواند جستجوی ایده امنیت انسانی را در متون حقوقی و قوانین اساسی تسهیل کند.

حفاظت^۱، مفهومی چندسویه برای معرفی راهبرد محوری معطوف به امنیت انسانی است. مفروض این راهبرد این است که مردم و جماعت‌ها یا باهمادها^۲، عموماً در معرض تهدید از سوی رویدادهایی هستند که خارج از کنترل آنهاست؛ مانند بحران‌های مالی، منازعات خشونت‌آمیز، ایدز، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های دولتی که سرمایه‌گذاری عمومی و خصوصی را در مراقبت‌های بهداشتی تضعیف کند، کمبود آب و آلودگی آن و مواردی از این دست. ماهیت این تهدیدها که در سطوح گوناگون محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی یا جهانی مطرح هستند، اقتضا می‌کند نهادهای گوناگون اعم از عمومی، دولتی، غیردولتی و بین‌المللی، هم‌خود را مصروف حمایت و حراست از مردم و جوامع کنند. بر این اساس، حفاظت عبارت است از «تمهید و ارتقاء امنیت انسانی از طریق شناسایی تهدیدات شایع و حاد، پیش‌گیری از مخاطراتی که هنوز روی نداده‌اند، تخفیف و تسکین مخاطرات به وقوع پیوسته همراه با خدمات محدود و واکنش به منظور حفاظت از شأن و کرامت انسانی قربانیان و بازماندگان از بلایا و تأمین معاش آنها.»^(۴)

راهبردهای محافظت یا تحقق امنیت انسانی نیز به دو دسته حمایت^۴ و توانمندسازی^۵ تقسیم می‌شوند. در چارچوب حمایتی، عمدتاً به ایجاد شبکه‌های تأمین اجتماعی و تورهای ایمنی مبادرت می‌شود و تمهیدات قانونی برای به رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های فردی صورت می‌گیرد. به بیان دیگر، تأیید حقوق و آزادی‌های بنیادین بشر در قوانین اساسی، بخشی

1 . Working Definition
2 . Safeguard
3 . Communities
4 . protect
5 . empowerment

از راهبرد حمایتی در چارچوب ایده امنیت انسانی است. توانمندسازی نیز واژه‌ای است که از نظریات و ایده‌های آمارتیا سن نظریه پرداز بنام توسعه انسانی گرفته شده و به منزله راهبردی است که نتیجه آن بی‌نیازی افراد و جوامع از دولت‌ها برای تأمین نیازهای اساسی و اولیه‌شان است. مؤلفه کلیدی توانمندسازی، آموزش و پرورش و آگاهی‌بخشی به واسطه رسانه‌های نیرومند و آزاد است. در واقع، گسترش آموزش و پرورش است که می‌تواند انسان‌ها را توانمند کرده و موجب شود فرد جدیدی به زیر خط فقر سقوط نکند. (۵) همچنانکه عنصر آگاهی نیز می‌تواند موجب واکنش نیرومند فرد به هنگام در خطر قرار گرفتن شأن و کرامت انسانی‌اش شود.

«هسته حیاتی»^۱ نیز به این معناست که امنیت انسانی همه جنبه‌های ژرف، مهم و ضروری زندگی انسانی را پوشش نمی‌دهد، بلکه هسته حیاتی معدودی از فعالیت‌ها و قابلیت‌های انسانی را شناسایی و حراست می‌کند. این فعالیت‌ها و قابلیت‌ها ممکن است با عباراتی چون حقوق بشر بنیادین^۲، قابلیت‌های اولیه و نیازمندی‌های قطعی و مسلم مشخص شود. حقوق و آزادی‌های مطرح و قابل پوشش در این هسته حیاتی با مقولاتی چون بقا^۳، امرار معاش^۴، و شأن اولیه انسانی^۵ مشخص می‌شود. عبارت «هسته حیاتی» مبین آن است که امنیت انسانی اولاً جنبه‌های محدود و حیاتی زندگی انسانی را پوشش می‌دهد و نه همه آنها را و در ثانی، بیشتر مفهومی سلبی است تا ایجابی و از این رو، نمایانگر وجه ممیزه امنیت انسانی از مفاهیمی چون حقوق بشر و توسعه انسانی است. در هر صورت، هسته حیاتی با سه عبارت رهایی از نیاز^۶، رهایی از هراس^۷ و کرامت انسانی مشخص می‌شود و این سه، در واقع، محدوده امنیت انسانی را تعیین می‌کنند.

در عین حال، آنچه می‌تواند مبنای پیوند امنیت انسانی و قانون اساسی قرار گیرد و سنجش قانون اساسی را از منظر ایده امنیت انسانی ممکن کند، مفهوم حقوق انسانی بنیادین یا حقوق

-
- 1 . Vital Core
 - 2 . Fundamental human rights
 - 3 . Survival
 - 4 . Livelihood
 - 5 . basic dignity
 - 6 . Freedom from Want
 - 7 . Freedom from Fear

بشر بنیادین است. امروزه این مفهوم، جایگاه برجسته‌ای در ادبیات حقوقی برخی کشورها از جمله آلمان، اسپانیا و فرانسه پیدا کرده است. در حقوق آلمان و اسپانیا، اصطلاح «حقوق بنیادین»، توسط خود قوانین اساسی این کشورها به کار گرفته شده و بدین ترتیب، رسماً وارد نظم اساسی^۱ آنها شده است. بخش نخست قانون بنیادی جمهوری فدرال آلمان، «حقوق بنیادین» نام گرفته و طی مواد یک تا ۱۹، به تشریح مواردی چون «کرامت انسانی»، «حق حیات»، «برابری در مقابل قانون» و مانند آن پرداخته است. بخش اول قانون اساسی اسپانیا نیز «حقوق و تکالیف بنیادین» نام دارد. در این بخش به مواردی چون «کرامت انسانی»، «نحوه اکتساب تابعیت اسپانیایی»، «برابری در مقابل قانون»، «حق حیات و تمامیت جسمانی و اخلاقی»، «منع مطلق اجبار افراد به افشای عقیده و مذهب آنها» و مانند آن اشاره شده است. این موارد نشان می‌دهد مقصود از حقوق بنیادین نه همه حقوق بشر، بلکه حقوق و آزادی‌هایی است که وجود آنها مایه قوام و نبود آنها موجب زوال شخص یا شخصیت انسانی می‌شود (۶) و در چارچوب امنیت انسانی، عمدتاً ذیل مفهوم امنیت شخصی قرار می‌گیرد.

عبارت «زندگی همه انسان‌ها»^۲ نیز نشان می‌دهد امنیت انسانی «مردم‌محور»^۳ است نه دولت‌محور یا تهدیدمحور (۷) این سطح از تأکید بر زندگی انسانی، امنیت انسانی را از مفهوم سنتی امنیت یا امنیت ملی که پارادایم مسلط امنیت در قرون نوزدهم و بیستم بود و بر حفاظت از قلمرو دولت ملی تأکید می‌کرد، متمایز می‌کند. از سوی دیگر، واژه «مردم» در رهیافت امنیت انسانی، آنچنانکه استیون لونرگان تأکید می‌کند صرفاً شامل زندگی افراد نمی‌شود و اجتماع آنها یا باهمستان‌ها و باهمادها^۴ را نیز دربرمی‌گیرد (۸) اجتماع یا باهمستان جمععی است مانند خانواده گسترده، قصبه، فرقه و مانند آن که در آن زایش فرد و ویژگی‌های انتسابی او تعیین‌کننده نحوه زیست و موقعیت اوست (۹) این تلقی از واژه مردم، امنیت انسانی را از مفاهیم نئولیبرالی همچون امنیت فردی^۵ متمایز می‌کند. همچنین، افزوده «همه انسان‌ها» نشان می‌دهد امنیت انسانی مفهومی همه‌گیر است و از خاص‌گرایی به دور می‌باشد. به بیان دیگر،

1 . Order Constitutional
 2 . All Human Lives
 3 . People - centred
 4 . Communities
 5 . Individual Security

امنیت انسانی بر اشخاص فارغ از جنسیت، نژاد، مذهب، قومیت، شهروندی و دیگر ویژگی‌های متمایزکننده انسانی تأکید می‌کند. ضمن آنکه امنیت انسان‌ها را وابسته به هم و تفکیک‌ناپذیر می‌داند. در واقع، مطابق این تلقی، امنیت بازی حاصل جمع صفر^۱ نیست، بلکه همچنانکه کارولین توماس تأکید می‌کند بازی برد - برد یا باخت - باخت است؛ یعنی چنانچه فرد یا گروهی در معرض تهدید باشد، همه دیگر اجتماعات نیز پذیرای خطری مشابه خواهند بود و اگر فرد یا گروهی در جستجوی امنیت به بهای نامی دیگران باشد، در آن صورت، هیچ کس در امان نخواهد بود. (۱۰)

پس از تعیین حدود و چارچوب مفهومی امنیت انسانی، اکنون می‌توان به ابعاد آن پرداخت. تعیین ابعاد این مفهوم، به نوعی، به منزله شاخص‌سازی برای آن است. در این خصوص نیز اجماع مشخصی میان صاحب‌نظران این حوزه، وجود ندارد. برخی همچون مارتا نازباوم^۲، احساسات، تصورات و تفکرات انسانی را نیز در زمره ابعاد و عناصر امنیت انسانی لحاظ می‌کنند (۱۱) و برخی همچون آمارتیا سن بر ابعاد عینی‌تری همچون بقا، زندگی روزمره و شأن انسانی تأکید دارند. (۱۲) در عین حال، به نظر می‌رسد تقسیم‌بندی جامع‌تری که بتواند بیشترین ابعاد و انضمامی‌ترین آنها را پوشش دهد، از تعریف برنامه عمران ملل متحد در سال ۱۹۹۴^۳ که مشتمل بر گزارش توسعه انسانی و مبتنی بر اندیشه‌های مرحوم پروفیسور محبوب‌الحق بود، قابل استخراج است. این برنامه تأکید می‌کند امنیت انسانی شامل هفت بعد امنیت اقتصادی، امنیت غذایی، امنیت بهداشت و سلامت، امنیت زیست‌محیطی، امنیت شخصی، امنیت اجتماع و امنیت سیاسی می‌شود. (۱۳)

امنیت اقتصادی^۴ در چارچوب امنیت انسانی، مستلزم نوعی درآمد اولیه تضمین‌شده برای افراد به واسطه کارتولیدی یا خیریه^۵ است و یا در نهایت، توسط شبکه تأمین مالی عمومی

1 . a zero – sum game
2 . Martha Nussbaum
3 . UNDP's 1994
4 . Economic Security
5 . remunerative work

نوعی کار که صرفاً بهانه‌ای برای پرداخت مزد یا در واقع، پاداش است و ارزش آن کمتر از پاداش پرداخت‌شده می‌باشد.

(بیمه بی‌کاری) برقرار می‌شود. بر این اساس، مطابق برآوردها، امروزه فقط یک‌چهارم مردم جهان به لحاظ اقتصادی امنیت دارند و در این خصوص تفاوتی میان کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه وجود ندارد. در واقع، امنیت انسانی در مفهوم رهایی از نیاز، سرشتی اقتصادی دارد و فقر و بی‌کاری در مرکز آن قرار می‌گیرد. این معضل عمده‌تاً موجب تنش‌های سیاسی و خشونت‌های قومی در ابعاد محلی، ملی، منطقه‌ای و حتی جهانی می‌شود.

امنیت سلامت^۱، به منزله تضمین نوعی حفاظت حداقلی در برابر بیماری‌ها و سبک‌های زندگی^۲ غیربهداشتی است. علل عمده مرگ‌ومیر در کشورهای در حال توسعه، بیماری‌های انگلی و عفونی است که در سال ۱۷ میلیون نفر از مردم را به کام مرگ می‌فرستد. در کشورهای صنعتی نیز هر ساله ۵/۵ میلیون نفر به واسطه بیماری‌های شایع از بین می‌روند. مطابق برآورد سازمان ملل در هر دو دسته از این کشورها، تهدید امنیت سلامت عمده‌تاً متوجه مردم فقیر در نواحی روستایی و به ویژه کودکان است. دلیل این امر غالباً سوءتغذیه و نبود دسترسی کافی به دارو، آب تمیز و دیگر ملزومات مراقبت‌های بهداشتی است.

امنیت غذایی^۳ به این معناست که همه مردم در همه زمان‌ها، دسترسی اقتصادی و فیزیکی به غذای اولیه را داشته باشند. مطابق ایده برنامه عمران ملل متحد، مشکل امنیت غذایی، بیش از دسترسی همگانی به غذا، به توزیع اندک آن و فقدان قدرت خرید مردم بازمی‌گردد که مقوله‌ای مرتبط با امنیت اقتصادی است.

هدف **امنیت زیست‌محیطی^۴** نیز حفاظت از مردم در برابر تخریب کوتاه و بلندمدت طبیعت، تهدیدات انسان‌ساخته در قبال آن و زوال محیط زیست طبیعی است. در کشورهای در حال توسعه، نبود دسترسی به آب پاکیزه یکی از بزرگترین تهدیدات زیست محیطی است. در کشورهای صنعتی نیز آلودگی هوا از جمله تهدیدات عمده می‌باشد. از دیگر مسائل امنیت زیست‌محیطی، گرم‌شدن جهان و سوراخ‌شدن لایه اوزون به دلیل انتشار گازهای گلخانه‌ای است.

1 . Health Security

2 . lifestyles

3 . Food Security

4 . Environmental Security

امنیت شخصی^۱ نیز شامل حفاظت از مردم در برابر خشونت‌های فیزیکی (چه از سوی دولت متبوع و چه از سوی دولت‌های خارجی)، افراد خشونت‌گرا و عوامل فروملی، تجاوز جنسی یا سوءاستفاده از سالمندان است. برای بسیاری از مردم، عمده منبع نگرانی، جرایم به ویژه جرایم خشونت‌آمیز است.

امنیت اجتماع^۲ یا جامعه محلی نیز ناظر بر حفاظت از مردم در برابر روابط و ارزش‌های سنتی زیان‌آور و خشونت‌های فرقه‌ای و قومی است. باهمادهای محلی به ویژه گروه‌های قومی اقلیت، غالباً در معرض تهدید قرار دارند. حدود نیمی از دولت‌های جهان، همواره شاهد ستیزهای درون‌قومی هستند. خشونت علیه زنان و خون‌خواهی قومی - قبیله‌ای مواردی از این دست می‌باشند.

امنیت سیاسی^۳ نیز بیانگر زندگی مردم در جامعه‌ای است که در آن به حقوق بشر اولیه آنها احترام گذاشته می‌شود. مطابق پژوهش سازمان عفو بین‌الملل، بازداشت، شکنجه نظام‌مند، بدرفتاری و ناپدیدکردن مخالفان سیاسی، هنوز در ۱۱۰ کشور جهان اعمال می‌شود. به هنگام آشوب‌های سیاسی، هتک حرمت حقوق انسانی به طور مکرر اعمال می‌شود و در زمان‌های انسداد سیاسی، حکومت‌ها آزادی عقاید و اطلاعات افراد و گروه‌ها را کنترل می‌کنند. بر این اساس، امنیت انسانی در مفهوم رهایی از هراس، عمدتاً با ابعاد امنیت شخصی، امنیت اجتماع و امنیت سیاسی مشخص می‌شود.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

نظام جمهوری اسلامی، مطابق قانون اساسی، نظامی است بر پایه ایمان به «کرامت و ارزش والای انسان و آزادی او» (بند ششم از اصل دوم) و «سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد.» (اصل یکصد و پنجاه و چهارم)

1 . Personal Security
2 . Community Security
3 . Political Security

این ترتیبات نشان می‌دهد قانون اساسی جمهوری اسلامی، اولاً انسان را به مفهوم جهانی و به ماهو انسان به رسمیت می‌شناسد؛ هرچند به لحاظ معطوف‌بودن به چارچوب‌های ملی و کشوری، مفهوم تبعه و هویت شهروندی را نیز مطمع نظر قرار داده است. ثانیاً در تبیین نسبت میان مردم و دولت، رویکردی وستفالیایی ندارد. در سیستم وستفالیایی، دولت‌ها ماهیتی مستقل یا در خود داشتند، اما مطابق ایده امنیت انسانی، دولت‌ها باید باشند تا از افراد حمایت و حراست کنند. (۱۴) این همان نسبتی است که قانون اساسی جمهوری اسلامی میان مردم و دولت برقرار کرده است. اصل سوم این قانون، دولت را موظف کرده است برای تحکیم پایه‌های نظام جمهوری اسلامی که یکی از آنها، مطابق اصل دوم، کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خداوند است، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد: بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر، آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی، محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی، تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون، مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش، رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی، پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف‌ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تعمیم بیمه و تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.

این موارد که ذیل فصل اول قانون اساسی با عنوان «اصول کلی» آورده شده‌اند، نشان می‌دهند قانون‌گذار از جمله کارویژه‌های دولت جمهوری اسلامی را حراست و حمایت از افراد و توانمندسازی آنها می‌داند و شأنی برای دولت مستقل از افراد جامعه قائل نیست. از سوی دیگر، فصل سوم این قانون، ذیل عنوان «حقوق ملت»، انواع ممنوعیت‌ها و محدودیت‌ها را برای دولت جمهوری اسلامی در ارتباط با کنش آن نسبت به افراد جامعه مقرر نموده است. این موارد نشان می‌دهد قانون‌گذار به درستی به این نکته واقف بوده است که دولت، خود می‌تواند به منبعی برای تهدید امنیت فردی و انسانی تبدیل شود و از این رو می‌بایست محدود

شود تا همچنان حامی افراد جامعه و توانمندساز آنها در ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و شخصی باشد.

از سوی دیگر، قانون اساسی جمهوری اسلامی، حق زندگی انسانی و ملزومات آن را حقی همگانی می‌داند و از این رو، ضامن قاعده همه‌گیربودن امنیت انسانی است. اصل نوزدهم قانون اساسی تصریح دارد: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.» آنچه در متون قانون اساسی می‌تواند ضامن همه‌گیرشدن حقوق و آزادی‌های فردی باشد، شمولیت حق شهروندی برای همگان است که مهمترین حق بشری بنیادین به شمار می‌رود. در واقع، شهروندی نوعی موقعیت اجتماعی برای فرد است که به واسطه حقوق، اختیارات و نیز وظایفی که بر آن مترتب است، تعریف می‌شود. شهروند کسی است که به عنوان عضو جامعه و نهاد برخوردار از حقوق اجتماعی و سیاسی، پذیرفته شده و می‌تواند از مزایای آن برخوردار شود. بدین ترتیب، حق شهروندی در واقع، حق برخورداری از حق است. (۱۵) چنانچه شهروند را تبعه دارای حق هر دولت بدانیم، در این صورت، فرمول مذکور در قانون اساسی جمهوری اسلامی به کار گرفته شده و این قانون مقرر می‌دارد که «تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی‌تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید.» (اصل چهل و یکم) در این چارچوب، قانون اساسی در اصولی که به موجب آنها افراد از حق مشخص و بخصوصی برخوردار می‌گردند، از واژه‌هایی چون «برای همه» (اصول ۳ و ۴۳)، «همه افراد ملت یا هر فرد» (اصول ۲۰، ۲۸، ۳۱، ۳۴، ۴۲، ۴۶، ۹۰)، «هیچ کس» (اصول ۹، ۲۳، ۲۶، ۳۳، ۴۰)، «حقی است همگانی» (اصل بیستم) و مانند اینها استفاده کرده است.

تساوی در برابر قانون و در بهره‌گیری از حقوق، اساسی‌ترین پیش‌نیاز حق شهروندی است. منظور از تساوی در برابر قانون این است که تمامی قوانین شامل تمام افراد بشود و تبعیضی در این مورد وجود نداشته باشد. قانون اساسی جمهوری اسلامی در این خصوص تأکید دارد:

«تمامی افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.» (اصل بیستم)

معیار دیگر در خصوص جایگاه امنیت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی، نسبت آن با امنیت ملی در این قانون است. در این خصوص می‌توان گفت امنیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی، مفهومی انسانی است و امنیت ملی، در واقع، مرزها و حدود آن را در چارچوب منافع ملی ایران تعیین می‌کند. برای تأیید این فرضیه، ابتدا می‌بایست به تبیین «امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» و شناسه‌های آن پرداخت. این عنوان مبین این مفروضه مهم است که جمهوری اسلامی نظامی است که معنا و مفهوم خاصی از امنیت ملی بر آن قابل انطباق است که لزوماً با معانی و شناسه‌های امنیت ملی دیگر کشورها هم‌پوشانی ندارد. این نکته، خود برخاسته از مفروضه دیگری است که بر پایه آن، هر نظام سیاسی به واسطه ایده تشکیل‌دهنده و نحوه شکل‌گیری‌اش، تلقی و برداشت یا معنا و مفهوم خاصی از امنیت ملی را برمی‌تابد و از این‌رو، شناسه‌های امنیت ملی آن با دیگر نظام‌ها یکی نیست. البته، این برداشت یکتانگار عمدتاً با ماهیت و فلسفه وجودی رژیم‌های سیاسی مرتبط است و در عین حال، می‌تواند ناشی از ظرفیت‌های طبیعی و تاریخی متفاوت هر کشوری نیز باشد.

از سوی دیگر، تلقی‌های یکسان‌انگار نیز برای شاخص‌سازی قائل به دسته‌بندی کشورها با معیارهایی چون میزان توسعه‌یافتگی یا تشابه ساختارهای سیاسی - اجتماعی و جغرافیایی هستند و از این‌رو، شاخص‌های سنجش امنیت ملی برای همه کشورها را یکسان نمی‌دانند. برای مثال، آزر و مون^۱ در اثر خود با عنوان «امنیت ملی در جهان سوم، معتقدند مسأله امنیت ملی در کشورهای جهان سوم با مسأله امنیت در غرب متفاوت است و از این‌رو، نمی‌توان با شاخص‌ها و رهیافت‌های یکسان به تحلیل هر دو اقدام کرد. به نظر آنها در جهان سوم، مسأله امنیت ملی عمدتاً موضوعی نظامی - سیاسی است و برحسب تهدیدات نظامی خارجی تعریف می‌شود. (۱۶) در پژوهش دیگر، خانم لی‌نور جی. مارتین^۲، در بررسی امنیت در سطح خاورمیانه، امنیت ملی را عبارت از توانایی دولت در اعمال یا جلوگیری از تهدید نسبت به سه

1 . Azar & Moon

2 . Lenore G.Martin

مؤلفه تمامیت ارضی، جامعه و رژیم سیاسی می‌داند. بر اساس نظریه وی، عالی‌ترین شکل ناامنی دولت در این منطقه، این است که سرزمین آن اشغال شود، حکومت آن از هم بپاشد، جامعه آن به واسطه ناآرامی‌های قومی - مذهبی یا جدایی‌طلبی، کاملاً تهدید شود و دولت توانایی اندکی برای مقابله با این تهدیدها در اختیار داشته باشد. رژیم سیاسی در نظریه مارتین به شیوه سازماندهی سیاسی یا نوع حکومت مانند دموکراسی، جمهوری، استبدادی و پادشاهی اطلاق می‌شود. تفاوت دولت و رژیم این است که دولت‌ها تغییرات زیادی می‌پذیرند، در حالی که رژیم از ثبات برخوردار است. (۱۷)

در مقاله حاضر و در چارچوب رویکرد یکسان‌انگار، نظریه خانم مارتین پذیرفته شده و به نظر می‌رسد باید اذعان داشت امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نوعی وابستگی متقابل با مجموعه امنیتی خاورمیانه و به ویژه زیرمجموعه خلیج فارس دارد، به گونه‌ای که امنیت آن را از دیگر مجموعه‌های امنیتی جدا می‌کند. مسائل مشترک در این مجموعه همچون مذهب، قومیت، الگوهای دوستی و دشمنی، میزان دخالت خارجی، اختلافات مرزی، آبها و میزان توسعه‌یافتگی، سبب ایجاد علائق مشترک و مشابه امنیتی در میان این مجموعه شده و این علائق به قدری است که امنیت ملی هر یک از کشورها و شناسه‌های آن را نمی‌توان جدا از دیگران ملاحظه کرد. (۱۸) این وابستگی متقابل، نشان می‌دهد، همچون دیگر کشورهای منطقه، جمهوری اسلامی ایران می‌بایست تهدید نسبت به رژیم سیاسی، تمامیت ارضی و انسجام اجتماعی خود را در زمره شاخص‌های امنیت ملی و سنجش آن به حساب آورد.

در چارچوب رویکرد یکتانگار نیز باید پذیرفت که جمهوری اسلامی، در عین حال، نظامی است با ویژگی‌های یگانه که آن را از دیگر کشورهای عضو مجموعه امنیتی خاورمیانه مجزا می‌کند. نقطه ثقل این تمایز به شناسه رژیم سیاسی بازمی‌گردد. مفهوم مرکزی این شناسه، عقیدتی - فرهنگی است و این ویژگی‌ای است که دیگر کشورهای منطقه فاقد آنند. به بیان دیگر، تهدید ایده دولت در جمهوری اسلامی، یعنی اسلام به مثابه مکتب، به منزله تهدید وجودی آن به شمار می‌رود؛ چرا که اگر این ویژگی از جمهوری اسلامی گرفته شود، تفاوتی با دیگر نظام‌های سیاسی منطقه نخواهد داشت.

در خصوص ماهیت رژیم سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، قاعداً می‌بایست به اصل یکصد و هفتاد و هفتم قانون اساسی ذیل عنوان «بازنگری در قانون اساسی» نگریست. مطابق این اصل، «محتوای اصل مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتنای کلیه قوانین و مقررات بر اساس موازین اسلامی و پایه‌های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت امت و نیز اداره امور کشور با اتکا به آرای عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییر ناپذیر است.» تصریح این موارد به این معناست که خدشه به آنها، در واقع، به منزله تهدید جمهوری اسلامی در مقام رژیم سیاسی است و رژیم سیاسی، همانگونه که گفته شد، از شناسه‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌آید. بر این اساس، اصل چهارم قانون اساسی تأکید دارد «کلیه مقررات و قوانین مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد.»

در این چارچوب، قیود و محدودیت‌هایی که برای آزادی‌ها و حقوق بشر بنیادین در قانون اساسی جمهوری اسلامی، وضع شده است، تماماً در ذیل یکی از سه شناسه رژیم سیاسی، تمامیت ارضی و انسجام اجتماعی جای می‌گیرند. قیود مذکور عبارتند از موازین اسلامی (اصول ۲۰، ۲۱، ۲۶)، مبانی اسلامی (اصول ۲۴ و ۲۷)، اسلام (اصل ۲۸)، حقوق عمومی (اصل ۲۴)، مصالح عمومی (اصل ۲۸)، منافع عمومی (اصل ۴۰)، وحدت ملی (اصل ۲۶)؛ و اساس جمهوری اسلامی (اصل ۲۶).

این محدودیت‌ها و قیود نشان می‌دهند امنیت ملی و شناسه‌های آن در قانون اساسی جمهوری اسلامی، در واقع، حدود و مرزهای امنیت انسانی را مشخص می‌کنند و نسبتی جایگزین یا متزاحم با آن ندارند. اصل نهم قانون اساسی از این نیز فراتر می‌رود و بر تفکیک ناپذیری این دو مفهوم در جمهوری اسلامی ایران تأکید می‌کند:

«در جمهوری اسلامی ایران، آزادی، استقلال، وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای

وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور،

آزادی‌های مشروع را هرچند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.»

این تلقی که می‌توان آن را درهم‌تنیدگی آزادی‌های مشروع و امنیت ملی در ایده جمهوری اسلامی دانست، نشان می‌دهد امنیت ملی در ایده جمهوری اسلامی، مفهومی مردم‌پایه یا مردم‌محور^۱ است و از این‌رو با ایده کلی امنیت انسانی و نسبت آن با امنیت ملی تناسب دارد. همچنانکه دیگر اصول قانون اساسی از جمله اصول ۶۸، ۷۸، ۷۹ و ۸۲ بر این تلقی، یعنی مردم‌پایگی امنیت ملی در ایده جمهوری اسلامی تصریح دارند و تأییدی بر این فرضیه به شمار می‌روند. اصل شصت‌وهشتم به برگزاری انتخابات در زمان جنگ و اشغال کشور اشاره دارد و توقف آن را صرفاً برای مدتی معین و به پیشنهاد رئیس‌جمهور و تصویب سه‌چهارم مجموع نمایندگان مجلس که منتخب مردم‌اند، می‌پذیرد. اصل هفتاد‌وهشتم نیز هرگونه تغییر در خطوط مرزی را منوط به تصویب چهارپنجم مجموع نمایندگان مجلس شورای اسلامی کرده است. مطابق اصل هفتادونهم نیز:

«برقراری حکومت نظامی ممنوع است. در حالت جنگ و شرایط اضطراری

نظیر آن، دولت حق دارد با تصویب مجلس شورای اسلامی، موقتاً

محدودیت‌های ضروری را برقرار نماید، ولی مدت آن به هر حال نمی‌تواند

بیش از سی روز باشد و در صورتی که ضرورت همچنان باقی باشد، دولت

موظف است مجدداً از مجلس کسب مجوز کند.»

اصل هشتادودوم نیز به همین سیاق، استخدام کارشناسان خارجی را منوط به تصویب مجلس شورای اسلامی کرده است. این ترتیبات نشان می‌دهند مفهوم امنیت انسانی در متن ایده امنیت در قانون اساسی جمهوری اسلامی قرار دارد و امنیت ملی نیز در این قانون، مفهومی مردم‌محور است. یعنی منافع مردم است که ملاحظات امنیت ملی را مشخص می‌کند. در این چارچوب، اکنون می‌توان به ابعاد امنیت انسانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پرداخت.

امنیت اقتصادی

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اقتصاد مقوله‌ای است انسان‌محور و می‌بایست با هدف رفع نیازهای انسان صورت‌بندی شود. در مقدمه این قانون، «اقتصاد اسلامی» و برنامه آن با این دو معیار تعریف شده و تحقق آن بر عهده حکومت اسلامی گذاشته شده است:

«برنامه اقتصاد اسلامی، فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی است و بدین جهت، تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او، بر عهده حکومت اسلامی است.»

در مقدمه مذکور، این مطالب ذیل عنوان «اقتصاد وسیله است نه هدف» آمده و مقصود از این عنوان، اینگونه بیان شده است: «در اقتصاد، اصل رفع نیازهای انسان است نه سودجویی» و «در تحکیم بنیان‌های اقتصادی، اصل رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست.» این تلقی کاملاً با جهت‌گیری و اهداف رهیافت امنیت انسانی همخوان و منطبق است و قانون اساسی جمهوری اسلامی، در واقع، مفهوم اقتصاد را با معیارها و موازین امنیت انسانی صورت‌بندی کرده است. بر این اساس، قانون اساسی، نظام جمهوری اسلامی را برای نیل به کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا (بند ششم از اصل دوم)، موظف به «پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت و تعمیم بیمه» (بند دوازدهم از اصل سوم) کرده است. این اصل نشان می‌دهد قانون اساسی جمهوری اسلامی، امنیت اقتصادی را در مفهومی جامع و فراگیر مد نظر دارد و امنیت غذایی و امنیت سلامت را نیز در ذیل آن و مرتبط با آن می‌داند. به بیان دیگر، امنیت اقتصادی را به منزله تأمین نیازهای اساسی و اولیه انسانی در تمامی زمینه‌ها تعریف می‌کند و این امر را نه در تقابل با آزادی‌های اساسی او، بلکه پیش‌زمینه تحقق این آزادی‌ها برمی‌شمارد. در اصل چهل و سوم، ذیل عنوان «اقتصاد و امور مالی»، قانون‌گذار اساسی تأکید می‌کند:

«برای ریشه‌کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ

آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

۱. تأمین نیازهای اساسی (مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش) و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

۲. تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قراردادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند (در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر).

۳. تنظیم برنامه اقتصادی کشور به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی، فرصت و توان کافی برای خودسازی معنوی، سیاسی و اجتماعی و شرکت فعال در رهبری کشور و افزایش ابتکار داشته باشد.

۴. رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری».

این موارد نشان می‌دهد، برخلاف آنچه بسیاری گمان می‌کنند، نظام اقتصادی مورد نظر قانون اساسی جمهوری اسلامی که از آن به عنوان «اقتصاد اسلامی» یاد می‌کند، نه اقتصاد اشتراکی و دولتی، بلکه نوعی اقتصاد انسانی با هدف تأمین امنیت انسان‌ها و رهایی بخشی آنها از نیاز به مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، کار و آموزش و پرورش و همچنین، رهایی آنها از وحشت گرسنگی، فقر، بیماری، بی‌خانمانی و بی‌سوادی است. راهکار قانون اساسی برای استقرار این سطح از امنیت را می‌توان همان راهبرد حفاظت دانست که از دو وجه حمایت و توانمندسازی تشکیل شده و متولی آن دولت جمهوری اسلامی است. بعد توانمندی بیشتر ناظر بر آموزش و پرورش و آگاهی بخشی است و حمایت عمدتاً شامل برقراری بیمه‌های تأمین اجتماعی، ایجاد اشتغال و خانه‌سازی می‌شود. بر این اساس، دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است:

اولاً همه امکانات خود را برای بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی به کار برد و آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان را برای همه، در تمام سطوح تأمین نماید و نسبت به تسهیل و تعمیم آموزش عالی همت گمارد. (بندهای دوم و سوم از اصل سوم و اصل سی‌ام).

ثانیاً با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید. (اصل بیست و هشتم).

ثالثاً طبق قوانین، از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی شامل برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بی‌کاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره را که حقی است همگانی، برای یک فرد کشور تأمین کند. (اصل بیست و نهم).

رابعاً مسکن متناسب با نیاز را که حق هر فرد و خانواده ایرانی است، با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند بخصوص روستائینان و کارگران فراهم کند (اصل سی و یکم).

بر این اساس، آنچه در رهیافت امنیت انسانی با عناوین امنیت اقتصادی، امنیت غذایی و امنیت سلامت مشخص می‌شود، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ذیل مقوله اقتصاد و با عنوان اقتصاد اسلامی یا اقتصاد صحیح و عادلانه، به طور جامع و همه‌جانبه مورد توجه قرار گرفته است. به بیان دیگر، قانون اساسی جمهوری اسلامی، دولت را متولی امرار معاش و بقای مردم در حوزه اقتصاد، خوراک و سلامت می‌داند و این وظیفه‌ای است که هسته حیاتی زندگی انسان‌ها پیرامون آن شکل گرفته و امنیت انسانی بر پایه آن تعریف شده است.

امنیت شخصی

امنیت شخصی در قانون اساسی جمهوری اسلامی، عمدتاً ذیل عنوان امنیت قضایی و مصونیت شخصی در برابر تعرض دیگران طرح شده است. بر این اساس، برای نیل به «کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا»، دولت جمهوری اسلامی موظف به «تأمین حقوق همه‌جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در مقابل قانون است.» (بند چهاردهم از اصل سوم) و دلیل این امر آن است که «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.» (اصل بیست و دوم). همنشینی این موارد در اصل بیست و دوم قانون اساسی می‌تواند اینگونه تفسیر شود که موارد مذکور لازم و ملزوم یکدیگرند و از هم تفکیک‌ناپذیر

می‌باشند؛ یعنی تعرض به هر کدام، به منزله تعرض به تمام آنها و در واقع، تعرض به امنیت شخصی است. علاوه بر این، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد». (اصل بیست‌وسوم) در این خصوص باید توجه داشت که عقیده، امری شخصی و از داشته‌های خصوصی فرد است. بنابراین، کاوش یا تفتیش اعتقادات، امنیت شخصی و روانی انسان را تهدید کرده و با سقوط اخلاقی جامعه، افراد را به ظاهرسازی و تلاش برای پنهان کردن اعتقادات و تمنیات درونی‌شان وادار می‌سازد و در نهایت، می‌تواند فرد را به شخص دیگری تبدیل کند. به بیان دیگر، تفتیش عقیده، قوام و دوام شخصیت انسانی را تهدید می‌کند.

از ویژگی‌های مهم اصل منع تفتیش عقیده در قانون اساسی جمهوری اسلامی، مقیدنبودن آن است که نشان‌دهنده اهمیت بالای آن برای قانون‌گذار اساسی جمهوری اسلامی می‌باشد. در چارچوب این قاعده کلی، قانون‌گذار، بازرسی و رساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و رساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس را مگر به حکم قانون، ممنوع کرده است. (اصل بیست‌وپنجم).

عنوان امنیت قضایی در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز عمدتاً ناظر بر امنیت شخصی و الزامات آن می‌شود. به واقع، در اعلامیه‌های حقوق یا متون قانون اساسی، معمولاً به مواردی برمی‌خوریم که هدف آنها ایجاد خصیصه‌های الزامی یا ضمانت‌های اجرایی برای صیانت از حیطة خصوصی فرد در پروسه اجرای عدالت است. این امر از آن‌روست که فرد در پیشگاه دادگاه به تنهایی برانگیخته می‌شود و حمایت‌های مدنی یا سیاسی نباید تأثیری در صدور حکم قضایی داشته باشد. بنابراین، در نظام قضایی می‌بایست سازوکارها یا ضمانت‌هایی پیش‌بینی و تعبیه شوند تا تنهایی فرد در این نظام موجب ناامنی زندگی شخصی و تحت‌الشعاع قرارگرفتن حق حیات او نشود. بر این اساس، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حق دادخواهی (اصل سی‌وچهارم)، حق انتخاب وکیل (اصل سی‌وپنجم)، منع دستگیری خودسرانه افراد (اصل سی‌ودوم)، اصل قانونی‌بودن جرم و مجازات (اصل سی‌وششم)، ممنوعیت اجبار به اقرار و شکنجه (اصل سی‌وهشتم)، علنی‌بودن محاکمات (اصل یکصدوشصت‌وپنجم)، اصل برائت

(اصل سی و هفتم)، قاعده عطف به ماسبق نشدن قانون (اصل یکصد و شصت و نهم) و لزوم جبران خسارت مادی و معنوی ناشی از اشتباه یا تقصیر قاضی (اصل یکصد و هفتاد و یکم) را به عنوان سازوکارها یا ضمانت‌هایی برای تأمین امنیت قضایی افراد یا امنیت شخصی آنها در جریان دادرسی در نظر گرفته است. در این میان، دو اصل منع دستگیری خودسرانه افراد و ممنوعیت اجبار به اقرار و شکنجه، به طور مستقیم و عینی با امنیت شخصی افراد در ارتباط است. بر این اساس، قانون اساسی جمهوری اسلامی مقرر می‌دارد **اولاً** هیچ کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند. در صورت بازداشت، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتباً به متهم ابلاغ و تفهیم شود و حداکثر ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده مقدماتی به مراجع صالح قضایی ارسال و مقدمات محاکمه در اسرع وقت فراهم گردد. در این چارچوب، قانون اساسی جمهوری اسلامی، هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده را به هر صورت که باشد ممنوع کرده و تخلف از آن را موجب مجازات دانسته است (اصل سی و نهم). به کار بردن قید «به هر صورت که باشد»، هرگونه عذر و بهانه‌ای را در مورد هتک حرمت و حیثیت این افراد غیرقابل پذیرش می‌کند و قاضی می‌تواند با تفسیر موسع از این اصل، حتی اعلام عمومی اتهام اشخاص در رسانه‌ها را قبل از اثبات در محکمه صالحه، جرم تشخیص دهد و برای آن مجازات تعیین کند. ضمن آنکه قانون اساسی هرگونه تبعید افراد و منع اقامت در محلی خاص یا اجبار به اقامت در آن را مگر در مواردی که قانون مقرر می‌کند، منع کرده است (اصل سی و سوم).

ثانیاً هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و فاقد ارزش و اعتبار است (اصل سی و هشتم). بر این اساس، قانون اساسی، مصادیق شکنجه و اجبار افراد را مشخص نکرده و با قید واژه «هرگونه»، آن را مطلق نموده است. بنابراین، هرگونه عملی که عرفاً موجب اجبار متهم شود، به طوری که فاقد اراده در بیان مطلب یا انجام عمل شود، شکنجه و اجبار به حساب می‌آید. در این برداشت موسع، تهدید مادی یا معنوی علیه متهم و یا نزدیکان وی، اعمال شیوه‌های روان‌شناسانه به منظور بی‌اعتبار کردن متهم و مانند آن، از مصادیق شکنجه و اجبار به حساب آمده و ممنوع شده است.

امنیت اجتماع

در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی، از میان باهمادها یا هویت‌های اولیه گوناگون، «خانواده» به عنوان واحد بنیادین جامعه اسلامی معرفی شده و تکلیف شده که همه قوانین و مقررات و برنامه‌ریزی‌های مربوط، می‌بایست در جهت آسان‌کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی باشد (اصل دهم). بر این اساس، قانون اساسی جمهوری اسلامی از «فرد در خانواده» سخن می‌گوید نه فرد تنها. به همین دلیل است که قانون اساسی در کنار تکلیف دولت به تأمین نیازهای اساسی افراد، تأمین امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه را نیز در زمره وظایف آن دانسته (اصل چهل و سوم) و در ذیل مفهوم «حقوق زن»، دولت را موظف کرده است به «حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی‌سرپرست، ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده، ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست و اعطای قیمومیت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی».

در خصوص دیگر هویت‌های اولیه یا باهمادهایی که در اقلیت قرار دارند، قانون اساسی جمهوری اسلامی، صراحت دارد که «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود» (اصل نوزدهم). از میان مواردی که قانون اساسی جمهوری اسلامی، علاوه بر دیگر حقوق و آزادی‌ها، برای آنها حقوق خاصی قائل شده، متکلمان به زبان‌های غیرفارسی، اقلیت‌های دینی و معتقدان به دیگر مذاهب اسلامی (اهل تسنن) است. تأکید خاص بر این موارد از آن‌روست که مطابق قانون اساسی، زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی (اصل پانزدهم) و دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی‌عشری است (اصل دوازدهم) و ممکن است این رسمیت، در عمل امنیت اجتماعی و فرهنگی^۱ متکلمان به زبان‌ها و معتقدان به ادیان و مذاهب غیررسمی را مخدوش کند. بر این اساس، قانون اساسی جمهوری اسلامی به منظور جلوگیری از نابودی زبان‌های غیرفارسی و محلی و تداوم فرهنگی گروه‌های قومی، استفاده از زبان‌های محلی و قومی در

1 . Cultural Security

مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی را آزاد اعلام کرده است (اصل پانزدهم). در خصوص دین و مذهب نیز قانون اساسی، اتباع غیرشیعه نظام جمهوری اسلامی را به سه گروه تقسیم می‌کند:

یک. معتقدان به دیگر مذاهب اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی (اصل دوازدهم).

دو. معتقدان به سایر ادیان اعم از ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی یا به لفظ عام «اقلیت‌های دینی اهل کتاب». (اصل سیزدهم)

سه. سایر اقلیت‌های دینی که دارای کتاب نیستند در ذیل عنوان کلی «غیرمسلمانان» (اصل چهاردهم).

آنچه در قانون اساسی جمهوری اسلامی در مورد این سه گروه مشترک است، حفظ و رعایت احترام کامل آنان می‌باشد. به این منظور، دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق آنان را رعایت کنند (اصل چهاردهم). همچنین، آزادی در انجام مراسم دینی و مذهبی و عمل بر طبق تعالیم دینی و فقهی در احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) در قانون مذکور برای گروه اول و دوم مجاز شمرده شده است (اصول دوازدهم و سیزدهم). در واقع، نیایش جمعی و مراسم مذهبی به صورت عرف و عادت بین همه ادیان و مذاهب وجود دارد و نوعی تکلیف برای آنها به شمار می‌رود. حصر این آزادی‌ها در گروه اول و دوم، نشان می‌دهد گرچه گروه سوم از اصل حرمت عقیده برخوردارند و باید با آنان با قسط و عدل رفتار کرد و مورد آزارشان قرار نداد و با دید وسیع، اعتقاداتشان را مانعی برای برخورداری از حقوق انسانی ندانست، ولی آزادی نشر عقاید خود و تبلیغ آن به انجام مراسم مذهبی که جنبه غیرشخصی و عمومی دارد، برای این گروهها در قانون اساسی جمهوری اسلامی پیش‌بینی نشده و علی‌القاعده ممنوع است. (۱۹) در عین حال، این ممنوعیت، با توجه به ضوابط پیش‌گفته، به منزله نفی امنیت انسانی آنها نیست.

همچنین، بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی، مذاهب چهارگانه اهل تسنن در مناطقی که اکثریت دارند در حدود اختیارات شوراها، می‌توانند بر طبق مذهب خود، مقررات

محلی وضع کنند. (اصل دوازدهم) حدود اختیارات شوراها در این قانون عبارتند از حوزه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی و آموزشی. (اصل یکصدم) در متن مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی، مثال‌هایی از سوی نمایندگان مجلس خبرگان برای توضیح این اصل زده شده است. از جمله، عنوان شده که مذاهب مذکور در مناطقی که اکثریت دارند می‌توانند راجع به مواردی چون تعیین تکلیف جواز تخریب مسجد برای راهسازی، وضع عوارض محلی در حدود زکات و یا اتخاذ تصمیمات فرهنگی، برطبق فقه خود عمل نمایند. (۲۰) بر این اساس، قانون‌گذار نوعی رسمیت منطقه‌ای را در احوالات اجتماعی برای این مذاهب مقرر نموده است.

به لحاظ سیاسی نیز در اصل بیست‌وششم قانون اساسی و در بیان آزادی تشکیل احزاب و جمعیت‌ها و انجمن‌های اسلامی، از انجمن‌های اقلیت‌های دینی نیز سخن به میان آمده است. غیر از تشکیل جمعیت و انجمن، اقلیت‌های دینی می‌توانند در تشکل‌های موجود نیز وارد شده و به فعالیت بپردازند. علاوه بر این، اصل شصت‌وچهارم قانون اساسی نیز مقرر می‌دارد: «... زرتشتیان و کلیمیان هر کدام یک نماینده و مسیحیان آشوری و کلدانی مجموعاً یک نماینده و مسیحیان ارمنی جنوب و شمال هر کدام یک نماینده انتخاب می‌کنند.» در واقع، اقلیت‌های دینی در ایران کمتر از یک درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و از این‌رو، نسبت نمایندگان آنها با توجه به ترکیب جمعیتی، چندبرابر میزان متناسب آنهاست. این راه یکی از ترتیبات حفظ حقوق و تضمین مشارکت سیاسی گروه‌های اقلیت محسوب می‌شود که با عنوان «کرسی‌های تضمین شده» شناخته می‌شود. (۲۱) در عین حال، نمایندگان منتخب اقلیت‌های دینی در مجلس، از همان حقوق و اختیارات دیگر نمایندگان برخوردارند و می‌توانند در همه امور کشور اظهار نظر کرده و تحقیق و تفحص نمایند. (اصل هشتادوچهارم)

امنیت سیاسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت را موظف نموده به منظور نیل به «کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا» (بند ششم از اصل دوم)، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی را در حدود قانون تأمین کند (بند هفتم از اصل سوم).

بر این اساس، «همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برخوردار می‌باشند. (اصل بیستم) برای تأمین این حقوق و آزادی‌ها، قانون اساسی، دو دسته تکالیف سلبی و ایجابی را برای دولت جمهوری اسلامی وضع کرده است. تکالیف سلبی عمدتاً شامل ممنوعیت تفتیش عقیده، ممنوعیت تبعید و بازداشت خودسرانه، ممنوعیت استراق سمع و تجسس و ممنوعیت شکنجه می‌شود که در ذیل مفهوم امنیت شخصی بدانها پرداخته شد. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، به ویژه در اصل سی و دوم، هرگونه بازداشت خودسرانه و غیرقانونی را ممنوع کرده و در این خصوص، ضوابطی برقرار نموده است. اصل سی و هشتم این قانون نیز شکنجه و اجبار برای گرفتن اقرار و شهادت را به هرگونه که باشد و بدون قید و شرط ممنوع کرده است.

در بعد ایجابی نیز قانون اساسی، دولت را موظف به رعایت آزادی بیان نشریات و مطبوعات (اصل بیست و چهارم) و آزادی‌های گروه‌بندی‌های موقتی و دائمی نموده است. مقصود از گروه‌بندی‌های موقتی، تجمعات، تظاهرات، سخنرانی‌ها و امثال آن است و گروه‌بندی‌های دائمی شامل احزاب، سندیکاها، باشگاهها، اتحادیه‌ها و انجمن‌ها می‌شود. آزادی گروه‌بندی‌های دائمی را بر اساس تعاریف ارائه شده، آزادی سازمان‌پیوندی نیز نامیده‌اند. (۲۲) در این چارچوب، قانون اساسی جمهوری اسلامی، تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها را بدون حمل سلاح، به شرط آنکه منحل به مبانی اسلام نباشد، آزاد دانسته است. (اصل بیست و هفتم) این قانون در خصوص آزادی گروه‌بندی‌های دائمی نیز تصریح دارد:

«احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط بر اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در یکی از آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.» (اصل بیست و هشتم)

آنچه در خصوص این موارد قابل تأمل است، محدود کردن حقوق و آزادی‌های سیاسی و در واقع امنیت سیاسی افراد و گروه‌ها به قیودی همچون مبانی اسلام، حقوق عمومی، اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، قوانین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی است. در این

خصوصاً، شایان ذکر است اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز آزادی بیان را محدود به قیودی چون حقوق، آزادی و حیثیت دیگران، حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، رفاه همگانی و سلامت اخلاق عمومی کرده‌اند. (۲۳) مقصود آنکه ذکر این واژه‌های کلی و قابل تفسیر در اعلامیه‌های حقوق و قوانین اساسی، امری مرسوم و پذیرفته شده است و به منظور تلفیق منافع فردی با مصالح عمومی صورت می‌گیرد. بنابراین، صرفاً نیت قانون‌گذار و نوع دیدگاه مجریان و مفسران قانون می‌تواند ضامن استیفای حداقل حقوق و آزادی‌های انسانی و حفظ امنیت سیاسی افراد و گروهها و همچنین باهمادها باشد.

امنیت زیست‌محیطی

در بعد امنیت زیست‌محیطی، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تأکید دارد «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این‌رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.» (اصل پنجاهم)

این اصل نشان می‌دهد قانون‌گذار به اهمیت حفظ محیط زیست و امنیت آن برای حیات اجتماعی بین‌نسلی و به ویژه نسل آینده واقف بوده و این سطح از امعان نظر کاملاً در چارچوب ایده امنیت انسانی قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

امنیت انسانی نوعی جهت‌گیری و نگاه به مقوله سیاست‌گذاری و حکومت‌داری است و بر آن است تا مفهوم و مرجع امنیت را به مقولات عینی و انضمامی‌تری همچون انسان و مردم معطوف کند. رفع نیازهای اولیه انسانی، هراس‌زدایی از زندگی روزمره^۱ بشر و تضمین احترام به منزلت ابتدایی همه انسان‌ها، از جمله اهداف این نگاه می‌باشد. قانون اساسی جمهوری

اسلامی ایران نیز گرچه در هنگامه‌ای تدوین و تصویب شد که این مفهوم در ادبیات سیاسی و مطالعات اجتماعی جامعه ما جایی نداشت، اما مرور دوباره و بازخوانی این قانون، نشان می‌دهد جهت‌گیری مطعوف به امنیت انسانی در متن آن وجود دارد و بر روح آن حاکم است. این ویژگی می‌تواند به اتکاء قانون اساسی جمهوری اسلامی به تجربیات عمده بشری در قالب متون حقوق و آزادی‌های انسانی تعبیر شود، اما سازوکارهای اقتصادی و رفاهی مردم محور در این قانون که کاملاً با چارچوب‌ها و موازین امنیت انسانی مطابق است، فراتر از این تعبیر قرار می‌گیرد و نشان از خودآگاهی قانون‌گذار به ویژگی‌های «جامعه اسوه» اسلامی دارد. در مقدمه قانون اساسی، هدف از تدوین آن، «موفقیت در بنای جامعه نمونه اسلامی (اسوه) که بتواند الگو و شهیدی برهمگی مردم جهان باشد»، عنوان شده است. فصل نخست این قانون ذیل عنوان «اصول کلی»، نشان می‌دهد ویژگی اساسی جامعه نمونه اسلامی از دید قانون‌گذار اساسی جمهوری اسلامی، تضمین امنیت انسانی یک‌یک افراد جامعه است و در پرتو این ضمانت است که می‌توان زندگی افراد جامعه را به سوی اهداف عالی اسلامی استعلا بخشید. در عین حال، چون قانون اساسی معطوف به ظرف ملی ایران است، ملاحظات و شناسه‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را نیز به تمامی پاس می‌دارد، اما آن را چونان مرزها و حدود امنیت انسانی طرح می‌کند نه جانشین یا مزاحم آن.

یادداشت‌ها

1. United Nations Development Programme, *Human Development Report, 1994*, New York: Oxford University Press, 1994, p. 5.
2. Weissberg, Matthew, "Conceptualizing Human Security", *Swords & Ploughshares*, V.XIII.N.1, Spring 2003, p. 4.
3. Alkire, Sabina, "A conceptual framework for human security", *Center for Research on Inequality, Human Security, and Ethnicity (CRISE)*, Working Paper 2, London: Oxford University, 2003, p. 2.
4. Ibid, p. 8.
5. Sadako Ogata, *Empowering People for Human Security*, available at: <http://www.Un.Org/dpi/ngosection/annvalconfs/56/ogata.Pdf>, p.3.
6. گرجی، علی اکبر، «مبنا و مفهوم حقوق بنیادین»، *حقوق اساسی*، سال دوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۳، صص ۹ و ۱۰.
7. McDonald, Matt, "Human Security and the Construction of Security", *Global Society*, V. 19, N.3 (2002), p. 282.
8. "Conceptualizing human security", op. cit., p.5
9. تونیس، فردیناند، «گماین شافت و گزل شافت»، در هربرت اسپنسر و دیگران، *مدرنیته: مفاهیم انتقادی، جامعه سنتی، جامعه مدرن*، ترجمه منصور انصاری، تهران، نقش جهان، ۱۳۸۱.
۱۰. توماس، کارولین، *حکومت جهانی، توسعه و امنیت انسانی*، ترجمه مرتضی بحرانی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، زمستان ۱۳۸۲، فصل دوم.
11. Nussbaum, Martha, *Woman and Human Development: The Capabilities Approach*, Cambridge: Cambridge University Press, 2000.
12. "A Conceptual framework for human Security", op.cit, p. 49
13. *Human Development Report 1994*, op.cit,p.24
14. "Conceptualizing human security", op.cit, p. 7.
۱۵. نیکفر، محمدرضا، *خشونت، حقوق بشر، جامعه مدنی*، تهران، طرح نو، ۱۳۷۸، ص ۱۰.
۱۶. آرز، ادوارد ای. و مون، چونگ این، «بازاندیشی مقوله امنیت ملی در جهان سوم»، در *امنیت ملی در جهان سوم*، ترجمه ناشر، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۷۹، صص ۱۴ و ۱۵.
۱۷. مارتین، لی نور جی. «رهیافتی جامع برای مطالعه امنیت ملی در خاورمیانه» در *چهره جدید امنیت در خاورمیانه*، ترجمه قدیر نصری، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳، صص ۴۱ - ۳۸.

۱۸. برای آگاهی بیشتر نک. بوزان، بری، «خاورمیانه: ساختاری همواره کشمکش‌زا»، ترجمه احمد صادقی، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال شانزدهم، شماره ۳، پائیز ۱۳۸۱.
۱۹. هاشمی، محمد، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، اصول و مبانی کلی نظام*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، پائیز ۱۳۷۴، ص ۱۴۲.
۲۰. *صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، جلسه اول تا سی و یکم*، اداره کل امور فرهنگی و روابط عمومی مجلس شورای اسلامی، آذرماه ۱۳۶۴، جلسه هجدهم، صص ۴۷۱ و ۴۵۷.
۲۱. قاسمی، محمدعلی، «اقلیتها در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال ششم، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۸۲، ص ۸۶۴.
۲۲. قاضی، ابوالفضل، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، تهران: دانشگاه تهران، چ سوم، مهرماه ۱۳۷۱، ص ۶۶۹.
۲۳. مهرپور، حسین، *حقوق بشر در اسناد بین‌المللی و موضع جمهوری اسلامی ایران*، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۴، ص ۳۸۱.